

بر کسانی که وقایع سیاسی بین‌الملل را دنبال می‌کنند، پوشیده نیست که خصومت میان ایران و شورای همکاری خلیج [فارس] اوج گرفته و باعث شدت‌یافتن درگیری‌های مختلف در منطقه شده است. روابط میان دو مرکز قدرت خلیج فارس، در پی وقایع بهار عربی و خلاء قدرت در برخی نقاط منطقه، به تیرگی گرائید و پس از آن، به دنبال توفیق مذاکرات هسته‌ای میان ایران و شش قدرت جهانی در سال ۲۰۱۵، رو به وخامت گذاشت.

مع الوصف، طی ماه‌های اخیر، نشانه‌هایی از پیشرفت در مسیر بهبود روابط میان ایران و شورای همکاری پدیدار شد. ایران پس از روی کار آمدن حسن روحانی در آگوست ۲۰۱۳، چندین بار در این مسیر تلاش کرد اما پیامش گوش شنوایی نیافت. لیکن این شرایط در ماه ژانویه تغییر کرد و طبق گزارش‌های منتشره، وزیر خارجه کویت در سفری ویژه به ایران، پیامی را به رئیس‌جمهور روحانی تقدیم کرد که «پایه‌های گفت‌وگو» میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس بود. روحانی نیز با سفری به کویت و عمان در ماه فوریه، این اقدام را پاسخ گفت و روز ۱۳ مارس نیز نامه‌ای به امیر کویت، شیخ صباح احمد جابر صباح فرستاد.

طبق گزارش‌ها، وزیر خارجه شورای همکاری قرار است در روز ۳۰ مارس گرد هم آیند تا درباره احتمال یک گفت‌وگوی استراتژیک با ایران، بحث و تبادل نظر کنند. برای نخستین بار طی سال‌های اخیر، تنش‌زدایی در روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس قابل تصور است و طبق آن، دورنمایی نیز برای تسهیل بحران‌ها از سوریه تا یمن، به چشم می‌خورد.

در مباحث مربوط به شرایط منطقه، عمدتاً یک بن‌مایه رایج به گوش می‌رسد که بر رفتار ایران متمرکز است. ایران اغلب به اعمالی متهم می‌شود که از آن‌ها به عنوان دلیل عدم اعتماد شورای همکاری خلیج فارس برای حصول به نتایج دیپلماتیک، نام می‌برند.

با این حال، حقیقت این است که پیشینه عدم اعتماد متقابل میان ایران و برخی اعضای شورای همکاری، به پیش از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ بازمی‌گردد؛ یعنی زمانی که شاه و عربستان سعودی بر سر میزان تولید و قیمت نفت به رویارویی پرداختند. پس از انقلاب اسلامی، هنگامی که یک کشور عربی، یعنی عراق تحت حکومت صدام حسین، در سال ۱۹۸۰ به ایران حمله کرد، برخی از اعضای کنونی شورای همکاری خلیج فارس از متجاوز پشتیبانی کردند. در آن زمان ایران در سوریه، یمن یا عراق حضور نداشت، حزب‌الله در کار نبود و مسئله هسته‌ای وجود هم نداشت. بنابراین، اشاره به عملکرد فرضی «بدخیم» ایران در منطقه طی سال‌های اخیر و ذکر این‌که چنین دلیلی پشت شکست دیپلماسی قرار دارد، تنها بهانه‌ای بی‌پشتوانه است و هیچ کمکی به اعتمادسازی نخواهد کرد.

امروزه، شورای همکاری خلیج فارس، سه گزینه برای مواجهه با ایران دارد. مروری بر آن‌ها نشان خواهد داد که تنها یک گزینه واقعاً قابل دفاع است و به امنیت درازمدت کشورهای شورای همکاری، ایران و تمام منطقه، خواهد انجامید.

گزینه نخست، این است که کشورهای شورای همکاری، رویکرد سنتی خود در قبال ایران را حفظ کنند؛ رویکردی که بر مبنای مقابله‌جویی و با هدف منزوی کردن ایران تنظیم شده است. در طول سال اخیر، عربستان سعودی و متحدانش روابط دیپلماتیک خود را با ایران قطع کردند یا سطح آن را کاهش دادند؛ آنان ادبیات خصمانه‌تری را علیه ایران، متحدانش و حضور منطقه‌ای‌اش به کار گرفتند و اتحادیه عرب را واداشتند تا حزب‌الله را سازمانی تروریستی بخواند و حمایت از آن را در شورای همکاری، نوعی جنایت قلمداد کردند. عربستان سعودی همچنین در یمن به جنگی مخرب دست زد تا آن‌چه را نفوذ ایران تلقی می‌کرد، در هم شکنند. در طول بحران هسته‌ای، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، بر آمریکا فشار می‌آوردند تا دیپلماسی را کنار بگذارد و این کشور را تشویق می‌کردند تا تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف حمله نظامی قرار دهد.

گزینه دوم برای شورای همکاری خلیج فارس، این است که تصور کنند چون تحریم‌ها علیه ایران در ۳۸ سال گذشته کافی نبوده، لذا باید فشارها را افزایش داد. اکنون صحبت‌هایی در مورد ائتلاف بالقوه شورای همکاری با اسرائیل به گوش می‌رسد و این، تلاشی برای افزایش فشار بر ایران در منطقه است.

ناگفته پیداست که این دو گزینه، هزینه‌های سنگین و ریسک‌های بزرگ را به همراه دارند، اما مزایای منطقی در آن دیده نمی‌شود. نتیجه رویکرد شورای همکاری خلیج فارس نسبت به ایران تا این لحظه، نوعی آرایش قوا در منطقه بوده که خودشان آن را به طور نامتوازی به نفع ایران می‌دانند. همین امر نشان می‌دهد که رویکرد غیرسازنده تقابلی، نتیجه‌ای نداشته است. ضمن اینکه محتمل است که چنین رویکردی به یک جنگ ویران‌کننده منتهی شود. چشم بستن شورای همکاری بر فلسطینیان در زمانی که دولت اسرائیل آشکارا دستور-کار توسعه‌طلبانه خود را ادامه می‌دهد و در برابر راه حل مبتنی بر ایجاد دو کشور می‌ایستد، می‌تواند خیانتی به اعراب و جهان اسلام جلوه نماید. عواقب چنین امری برای کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، بسیار سنگین‌تر از اعمالی است که در حال حاضر انجام می‌دهند.

گزینه پایانی که تنها گزینه مناسب برای شورای همکاری محسوب می‌شود، این است که با ابتکاری جدید، نگرانی‌های متقابل ایران و شورای همکاری را مورد بررسی و تحلیل دقیق قرار دهند. هر یک از طرفین فهرستی بلندبالا از گله و شکایت دارند. کشورهای شورای همکاری خلیج فارس می‌توانند به جای تکیه بر قدرت‌های خارجی و قرض گرفتن امنیت از آنان یا رویارویی مستقیم با ایران، به صورت دیپلماتیک با ایران وارد تعامل و گفت‌وگو شوند و مسیر اعتمادسازی و همکاری را پیش گیرند.

برای ورود به دوران جدیدی در روابط ایران و شورای همکاری، هر دو طرف باید بتوانند نگرانی‌های خود را از مسیر سازنده، با دیگری در میان گذاشته تا گفت‌وگوها را به سوی دستاورد ملموس دیپلماتیک سوق دهند. آن‌ها می‌توانند کشورهای اروپایی را سرمشق قرار دهند که چگونه خصومت‌های تاریخی خود را حل کردند و ببینند که چگونه پیمان وست‌فالیایا به نتیجه رسید یا سیستم‌هایی مانند سازمان امنیت و همکاری اروپا یا اتحادیه اروپا به وجود آمدند.

یکی از پایه‌های گفت‌وگوهای فوری بر سر همکاری‌های مشترک منطقه‌ای، می‌تواند قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد که بند ۸ آن بر همکاری مشترک در جهت تأمین امنیت منطقه و ارتقاء ثبات، تأکید دارد. این گفت‌وگوها می‌تواند تنها در چارچوب کشورهای حوزه خلیج فارس (ایران، عراق و کشورهای عضو شورای همکاری)، یا میان کشورهای حوزه خلیج فارس و پنج عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد (۵+۸) برقرار شود زیرا حضور آنان در قطع‌نامه ۵۹۸ پیش‌بینی شده است.

روابط مستقیم و پایدار میان شورای همکاری خلیج فارس و ایران، هر دو طرف را قادر خواهد ساخت تا به سمت نوعی از روابط پیش روند که تعهد آنان را به عدم مداخله در امور داخلی، محترم شناختن حاکمیت ملی و تمامیت ارضی یکدیگر، مستحکم خواهد ساخت. به مرور زمان، آنان

[Sign Up Now](#) Get Al-Monitor delivered to your Inbox

Read More: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/03/iran-gcc-engagement-regional-rivalry-kuwait-initiative.html>



.Al-Monitor. All rights reserved 2017©